

نکات تکمیلی جلسه کارگروه عفاف گرایی و تربیت جنسی مورخ ۲۸ مردادماه ۱۳۹۴

جناب آقای اصغری نکاح:

بحث آموزش جنسی برای کودکان ابهام آمیز و چالش انگیز است. اگر مراد تربیت جنسی، آماده سازی کودکان برای پذیرش نقش جنسی و هویت جنسی و پرهیز از آسیب دیدن و تعرض و پرهیز از آسیب رسانی و آمادگی برای زندگی زناشویی مطلوب باشد.

لذا آماده سازی دانش آموزان به صورت غیر مستقیم و تخصصی می تواند بسیار مفید باشد. اما اولویت اول توانمند سازی تربیت والدین، توانمند سازی مربیان و مدیران اولویت بعدی با کودکان است. از طرفی محتوای آموزش و شیوه ارائه آن بسیار چالش انگیز است.

به نظر می رسد مشکلات ناشی از آسیب جنسی اغلب مربوط به کاستی مهارت های بنیادین و دانش های بنیادین است. صرف دانستن اسم اندام ها و یا فرآیندهای جنسی نه تنها چیزی را حل نمی کند بلکه گاه زمینه ساز برخی آسیب هاست.

اگر دانش جنسی ایمنی می آورد، وضع غرب که چند دهه است به آموزش مستقیم مبادرت می ورزند بهتر از آن بود که اینک درگیر آن است. البته تدوین محتوا نیازمند هم اندیشی و پژوهش وسیع و جدی است و شروع این امر توسط همکاران پژوهشگر بسیار مغتنم است اما نقطه آغاز است.

توجه شود که آموزش جنسی به صورت تخصصی فقط در موارد خاص توسط متخصص می تواند برای برخی کودکان آسیب دیده انجام شود. همچنین آموزش جنسی به صورت تخصصی برای زوجین و افراد در معرض ازدواج می تواند لازم و مفید باشد.

لیکن بحث کودکان بحث تربیت جنسی است و محتوای آن با آموزش جنسی متفاوت است.

محورهای اصلی بحث برای کودکان می تواند به شرح ذیل باشد:

✓ آگاهی از هنگامه های نه گفتن

✓ مهارت های جرات ورزی

✓ حریم خصوصی و رعایت آن

- ✓ آگاهی از فریب و مهارت های شناخت فریب و مواجهه موثر با فریب گری
- ✓ آگاهی و رعایت روابط و حریم ها
- ✓ حیا و عفت ورزی
- ✓ مهارت های کمک خواستن

هر چند توانمند سازی و آگاه سازی والدین و مربیان در تربیت و در مدیریت کودکان ضروری تر و اولی تر است.

جناب آقای باغلی:

به نظر می رسد تفکیک آموزش کودکان از والدین (منظور درگیر کردن والدین در فرآیند آموزش کودکان) امری قابل تامل است. در دوره ابتدایی ضرورت همراهی والدین با دانش آموزان در فرآیند آموزش (هر نوع آموزشی که در مدرسه ارائه می شود) امری غیر قابل انکار است. تجارب معلمان در مدارس ابتدایی این است که اگر والدین در جریان فرایندهای آموزشی قرار نگیرند، به این دلیل که بعد از معلم مرجع اصلی مراجعه دانش آموزان و قرار گیرنده در جریان آموزش های مدرسه هستند (در هر بعدی؛ آموزشی، تربیتی و ...)، اختلال در فرآیند آموزش اتفاق می افتد.

بر این اساس به نظر می رسد در خوشبینانه ترین حالت وقتی آموزش های پیشگیرانه جنسی به دانش آموزان داده می شود، در زمان مراجعه به منزل و طرح آن با والدین؛ این مساله مهمی است که والدین چه نگاهی به جریان آموزش مذکور دارند و اینکه بدانند دقیقا چه واکنشی به یافته های جدید کودک باید نشان دهند.

دقت داشته باشید که آموزش های ارائه شده در مدرسه به صورت مستقیم و دست نخورده به والدین ارائه نخواهد شد، بلکه با مجموعه ای از گفتگوهای کودکانه و دوستانه (که جلوگیری از آن در شبکه داخلی دانش آموزان ناممکن است) آمیخته می شود؛ بنابراین ظاهرا اجتناب ناپذیر است که حتی در صورت تشخیص ارائه مستقیم این آموزش ها به کودکان، آگاه سازی و همراه سازی والدین بسیار مهم است.

از اعضای محترم کارگروه:

- استدلال به ناتوانی والدین در مدیریت و مراقبت از مسائل جنسی کودکان ، صحیح به نظر نمی رسد چون هدف آموزش توانمند سازی است و اصلا خود این ناتوانی علت تدوین این برنامه است.
- اشکال: این که عوامل متعددی برای مشکلات وجود دارد ولی ما فقط عامل کودک را مدنظر داریم.
- جواب : به نظر می رسد اولویت پرداختن و تدوین برنامه باید بر اساس سهم عوامل و روابط آنها تعیین شود. در سنین پایین تر سهم والدین بیشتر است اما سهم کودکان هم با وساطت والدین و آموزش های انفرادی قابل دسترسی است.
- روابط جنسی و تعرض همیشه همراه با نارضایتی کودک نیست اگر فقط ابزار ترس باشد ولی کودک تجربه ای متفاوت داشته باشد آیا این آموزش اثر بخش است؟
- مشکل اصلی ما فقط رفع تعرضات نوع اول است یا باید شرایطی فراهم کرد که تجربیات دسته دوم هم برای کودکان و نوجوانان فراهم نشود؟
- تعرضات جنسی در اغلب موارد زمینه ها و مقدماتی دارد که رعایت آنها مانع از این امر خواهد شد لازم نیست که مستقیما موضوع اصلی مورد بحث قرار گیرد.
- روایت ذکر شده دقیقا نشان دهنده اهمیت نقش والدین است چون طرف صحبت کودک نیست ، بزرگسالان هستند.